

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: راهکارهای پیشگیری از طلاق توافقی

استاد راهنما: سرکار خانم علوی نژاد

پژوهشگران: خدیجه راحیان، زینب بهیمی، احلام آلبوغیش

چکیده

طلاق عاطفی پدیده نوظهوری است که در سال‌های اخیر در بین خانواده‌های ایرانی گسترش زیادی پیدا کرده است و زوج‌های بسیار زیادی از آن رنج می‌برند. این مورد مربوط به خانواده‌هایی است که به علت مسائل سنتی و عرفی که حاکم بر عقاید آن‌هاست یا برخی باورهای نادرست و نگرش‌های منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان و یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی و یا به علل و عوامل دیگری تصمیم می‌گیرند که به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند. در چنین اوضاع نابسامانی، زن و مرد انزوای طلبی اختیار کرده و خود را شریک زندگی نمی‌داند و تنها به دلیل شرایط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی به زندگی ادامه می‌دهد. این قطع روابط عاطفی عوامل پنهان و ناگفته‌های بسیار دارد.

کلیدواژه: طلاق عاطفی، طلاق، ازدواج، خانواده.

مقدمه

خانواده واژه‌ای پرمعناست که وقتی به آن فکر می‌کنیم، موجی از احساس و عاطفه را در ما برمی‌انگیزد. خانواده جایگاه آسایش و آرامش و اولین نهاد اجتماعی و بنیان جامعه است. در فرهنگ اسلامی، خانواده به‌مثابه نهادی مقدس، بیشترین مسئولیت را در تربیت، تعالی و سعادت انسان بر عهده دارد. اساس تشکیل خانواده و ازدواج در نظام الهی رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، رسیدن به کمال انسانی و تقرب الهی است.

نقطه آغاز شکل‌گیری خانواده زمانی است که زن و مرد، باهدف تشکیل خانواده با یکدیگر پیمان همسری می‌بندند و ازدواج می‌کنند؛ اما پس از ازدواج، خانواده در یکی از سه مسیر بالندگی، آشفتگی و گسستگی قرار گرفته و شروع به حرکت می‌کند. قرآن خانواده را آیت بزرگ خداوند می‌داند که مرکز پیدایی و پرورش آرامش، مودت و رحمت است، در خانواده بالنده که دارای این ویژگی است و نیز نقش‌های هر یک از اعضای خانواده در آن مشخص و منسجم است، همسران و فرزندان، اندوه‌زدا و سرور آفرین همدیگر می‌شوند و به رهبری و پیشوایی پارسایان و شایستگان روزگار می‌رسند. در بسیاری از موارد، زنان و شوهران ناسازگار به خاطر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی از هم جدا نمی‌شوند، اما خانواده به‌جای آنکه کانون پرتراوت شادی و امید باشد، به سرزمین آشفته و رنج آفرینی تبدیل می‌شود که تندرستی، آرامش، پاکی و مسئولیت ساکنان خود را آرام‌آرام گرفته و از بین می‌برد. اگر افراد خانواده، به‌ویژه زن و شوهر، پیوسته درگیر مشکلاتی مانند سکوت‌های درازمدت، برخوردهای آزاردهنده کلامی و جسمی، فاصله گرفتن عاطفی و جسمی از یکدیگر، ناهماهنگی‌های فکری و عقیدتی، بیماری‌های روانی و روان‌تنی متناوب، ناخشنودی جنسی و کاهش تدریجی عزت‌نفس باشند، با نشانه‌های اصلی خانواده آشفته روبه‌رو هستیم که چنین وضعیتی را می‌توان طلاق عاطفی نامید. عوامل گوناگونی پیوند شرعی و قانونی ازدواج را از هم می‌گسلد و همسران را به جدایی می‌کشاند. آشکار شدن ناراستی‌ها و نیرنگ‌ها، پدید آمدن کژ رفتاری‌های ریشه‌دار مانند سوءمصرف مواد، الکل، خیانت، پرخاشگری و خشونت‌های پی‌درپی، کمبود استقلال و مسئولیت‌پذیری و نیز به کار گرفتن روش‌های ناپسند و غیر کارآمد برای رفع مشکلات و اختلاف‌های قابل‌انتظار از مهم‌ترین عوامل گسستگی خانواده هستند.

– عوامل تأثیرگذار و زمینه‌ساز در طلاق عاطفی بر اساس نظریه پارسونز

- بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار و زمینه‌ساز در طلاق عاطفی را در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد:
۱. وقتی که کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجهه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. چنانچه وقتی خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا اینکه در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن)، نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می‌یابد. فرسودگی شغلی زوجین در این دسته قرار می‌گیرد، زیرا سختی معیشت می‌تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر و خستگی‌های ناشی از آن می‌تواند روابط عاطفی خانواده را با چالش مواجه کند.
 ۲. زمانی که خانواده در کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجهه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین‌شده برای آن بسیج کند. مواردی مانند نبود سلامت جسمی- روانی زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف موردنظر دور کند.
 ۳. وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود؛ این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند، نمونه آن را می‌توان در موردی جست‌وجو نمود که نقش‌های جنسیتی در خانواده و نظام هنجاری تقسیم نقش‌ها مختل می‌شود. در این صورت بایستی منتظر اختلاف در خانواده و افزایش احتمال طلاق عاطفی و سپس طلاق واقعی بود. سرمایه اجتماعی خانواده و نظم اجتماعی آن در این کارکرد قرار می‌گیرد.
 ۴. هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده باز می‌ماند؛ در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و لذا با به وجود آمدن کمترین اختلافی آماده برای گسستن این پیوند می‌گردند. دین‌داری خانواده می‌تواند از عوامل کاهش‌دهنده طلاق عاطفی در خانواده باشد، به این معنا که دین‌داری می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای زوجین در حفظ و بقای خانواده و الگوهای فرهنگی مناسب آن فراهم سازد.

– طلاق عاطفی

تعاریف موجود، طلاق عاطفی را اختلال در روابط همسران دانسته‌اند، اما در هیچ‌یک از این تعاریف ملاک‌های مشخصی برای تعیین همسرانی که در چنین وضعیتی قرار دارند ارائه نشده است. بر این اساس جهت دستیابی به تعریفی روشن از طلاق عاطفی، نظریات موجود در زمینه روابط افراد مورد بررسی قرار گرفت تا بر مبنای آن‌ها بتوان افرادی را که در وضعیت طلاق عاطفی قرار دارند، مشخص کرد.

تفکر در آیاتی که در ارتباط با طلاق وارد شده‌اند، نشان می‌دهد که خداوند متعال طلاق را به‌عنوان آخرین راه‌حل اختلافات خانوادگی در نظر گرفته و با تشریع آموزه‌های اخلاقی در این باره و سفارش به احسان و نیکی، رعایت آداب و دستورات اخلاقی و بر حذر داشتن از آزار یا اضرار همسران؛ سعی داشته تا آن را از حالت خصمانه خارج کرده و به صورتی پسندیده که برای طرفین کم‌ضرر تر باشد، درآورد.

در قرآن آیات طلاق بیشتر مربوط به دورانی می‌شود که صیغه طلاق جاری شده و زن و مرد در دوران «عده» می‌باشند. این دوره‌ی زمانی یکی از دوره‌های بسیار حساس در دوران زندگی زناشویی می‌باشند که آیات بسیاری در خصوص احکام آن آمده است و تمام این آیات بیش از آن که به مسئله طلاق پرداخته باشد، مستقیم یا غیرمستقیم به تشویق برای بازگشت به زندگی خانوادگی اشاره نموده است. به‌عنوان نمونه در آیات مربوط به طلاق در سوره مبارکه بقره دوازده بار کلمه «معروف» تکرار شده است که خود نشان‌دهنده احترام به حقوق دیگران و عدم سوءاستفاده از حقوق ایشان و اتخاذ یک روش محترمانه و نیکوکارانه است.

۱- سفارش به ایجاد صلح در محکمه خانواده

طلاق به‌عنوان آخرین راه‌حل در زمان اختلاف زوجین در نظر گرفته شده و به همین خاطر خداوند متعال در زمان اختلاف زن و شوهر، قبل از آنکه کار به طلاق بکشد، از بزرگان خانواده خواسته است که مداخله کرده و طرفین را به صلح دعوت کنند و به آن‌ها سفارش کرده که دو داور از میان خود انتخاب کنند که به مسئله، رسیدگی نمایند؛ تا شاید بتوانند میان زن و شوهر را اصلاح کنند.

«وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ بَرِدَا إِصْلَاحًا يَوْفِقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا...»^۱؛ «اگر از جدایی و ناسازگاری میان زن و شوهر بیم داشتید، پس دآوری از خانواده مرد و دآوری از خانواده زن ابرای رفع اختلاف^۱ برانگیزید که اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می‌کند...».

در این آیه، محکمه خانوادگی بر سایر محاکم ترجیح داده شده و این از شاهکارهای اسلام است؛ زیرا این محکمه امتیازاتی دارد که سایر محاکم فاقد آن هستند از جمله:

۱. محیط خانواده کانون احساسات و عواطف است و طبعاً مقیاسی که در این محیط باید به کار رود با مقیاس سایر محیط‌ها متفاوت است؛ یعنی همان‌گونه که در «دادگاه‌های جنایی»

۱ - سوره نساء (۴)، آیه ۳۵

افزایش فاصله زن و مرد خواهد شد. در این شرایط زندگی مشترک نه به خاطر رابطه همسری که به خاطر فشارهای جانبی مانند وجود فرزندان و دشواری‌های طلاق ادامه می‌یابد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اخوان تفتی، مهنار. پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن، مطالعات زنان، سال ۱، ش ۳، (۱۳۸۲).
۲. استرنبرگ، ر. ج. (۱۳۸۱). قصه عشق؛ نگرشی تازه به روابط زن و مرد. ترجمه ع. ا. بهرامی. تهران: انتشارات جوانه رشد.
۳. استیل، لیز و کید، وارن. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده، فریبا سیدان و افسانه کمالی، مترجم. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س)، (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۱).
۴. اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمد، ی تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. اعزازی، شهلا، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ ششم.
۶. افروز، غلامعلی (۱۳۸۹) روانشناسی رابطه‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران، سمت.
۸. باستانی، سوسن و دیگران. «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۹. بخارایی، احمد (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهاک جامعه.
۱۰. برناردز، جان، ۱۳۸۴؛ درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
۱۱. بهنام، جمشید، (۱۳۴۸)، جمعیت‌شناسی عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه.
۱۲. پور صادق کردی. ع، ۱۳۸۸، بررسی علل و عامل‌های طلاق، انتشارات کوشامهر.
۱۳. تبریزی، مصطفی و همکاران (۱۳۸۵)، فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی، تهران: فراروان.
۱۴. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

۱۵. حسینی، حسن (۱۳۸۶)، جامعه شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، چاپ اول، تهران: سلمان.
۱۶. حقانی زنجانی، حسین، (۱۳۷۴)، طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. دانش، ک. ۱۳۷۰، علل و عامل‌های مؤثر طلاق در شهر تهران، پیک ماما، دوره ششم و هفتم، شماره‌های اول تا سوم، صفحات ۳۰ تا ۳۴.
۱۸. رحیمی، ح. ۱۳۷۹، بررسی عامل‌های طلاق در استان خراسان، فصلنامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۳۳ و ۳۴.
۱۹. رضایی، حاتم، (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق در کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، دانشگاه مازندران.
۲۰. رضایی، مریم، مبغوضیت طلاق در اسلام، ص ۸۱۱، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳.
۲۱. روستا، لهراسب، (۱۳۸۹)، بررسی علل اجتماعی گرایش طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره سوم، صص ۷۷-۱۰۴.
۲۲. ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی وردی‌نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش، (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹.
۲۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ناشر: سروش. صص ۶۶-۴۰.
۲۴. ستوده، هدایت الله و سیف‌الله بهاری (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران، ندای آریانا.
۲۵. سگالن، مارتین. ۱۳۸۵ جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، مرکز.
۲۶. سیف‌اللهی ننه کران، ح. ۱۳۷۲.ا، بررسی علت‌های طلاق، کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباط‌ها، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، صفحات ۱۴۱ تا ۱۵۲.
۲۷. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۳)، خانواده متعادل، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۲۸. صالح صدق پور، ب. ۱۳۷۷، بررسی عامل‌هایی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می‌شود، اصلاح و تربیت، دوره چهارم، شماره ۳۹، صفحات ۲۶ تا ۳۰.
۲۹. صدق آمیز، خ. ۱۳۷۶، بررسی عامل‌های مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، بخش جامعه‌شناسی.

۳۰. ضرابی، حمید؛ مصطفوی، سید فرخ، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم، ۶۴-۳۳.
۳۱. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۹) ارتباطات انسانی، جلد اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۳۲. کی نیا، م. ۱۳۷۳، پژوهشی در عامل‌های اجتماعی طلاق، مطبوعات دینی قم.
۳۳. مددی، حسین (۱۳۸۰) بررسی علل تقاضای طلاق زوجین در شهرستان اراک، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی.
۳۴. مساواتی آذر، مجید، ۱۳۷۵، خانواده‌های مهاجر روستایی و زمینه‌های طلاق، فصلنامه جمعیت، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶، صفحات ۴۰ تا ۴۹.
۳۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ج ۳، ج ۲۴، چاپ ۳۹، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۳۶. هنریان، مسعود و سید جلال یونسی. بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، مطالعات روانشناسی بالینی، سال ۱، ش ۳، ۱۳۹۰.
۳۷. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، ص: ۹۰، ناشر: مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی تا.
۳۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: میر دامادی، جمال الدین، ماده طلاق، ج ۱۰، ناشر: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق، نوبت چاپ: سوم.
۳۹. تفسیر جوامع الجامع، ج ۱ و ج ۴.
۴۰. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۲، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، نوبت چاپ: اول.
۴۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه، قم، ۱۴۱۳ ق، نوبت چاپ: اول.
۴۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم موسوی همدانی، سید محمدباقر، ج ۲، ج ۴، ج ۵ و ج ۱۹، نوبت چاپ ۲۸، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.

٤٣. طبرسى، فضل بن الحسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج ٢ و ج ٣، دارالأسوه للطباعة والنشر،
الطبعة الأولى، ١٤٢٦ هـ. ق، ١٣٨٤ هـ. ش.